

## The Formation and Development of Birjand City According to Historical Documents and Archaeological Evidences

Ali Asqar Mahmoudi Nasab<sup>1\*</sup>, Seyyed Rasool Mousavi Haji<sup>2</sup>, Mohammad Farjami<sup>3</sup>,  
Esmail Marufi Aqdam<sup>4</sup>

1. Ph.D. Candidate in Archeology, Mazandaran University, Babolsar, Iran
2. Professor, Department of Archeology, Faculty of Art and Architecture, Mazandaran University, Babolsar, Iran
3. Ph.D., Faculty of Literature and Human sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
4. Ph.D. Candidate, Department of Archeology, Faculty of Social Sciences, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran

### Article Info

#### Original Article

Received: 2021/09/22;  
Accepted: 2022/03/16;  
Published Online 2022/05/12

 [10.30699/athar.43.1.174](https://doi.org/10.30699/athar.43.1.174)

Use your device to scan  
and read the article online



#### Corresponding Author

**Ali Asqar Mahmoudi Nasab**

Ph.D. Candidate in Archeology,  
Mazandaran University,  
Babolsar, Iran

#### Email:

[aliasqarmahmoodi@yahoo.com](mailto:aliasqarmahmoodi@yahoo.com)

### ABSTRACT

No archaeological excavations have yet been carried out in the old district of the city of Birjand, the capital of South Khorasan province, albeit of its valuable historic district. Therefore, its formation and development throughout history are not clearly known. Studying historical sources and texts, which are limited, and using the historical evidence and monuments and the city borders, the formation and growth of Birjand could be understood. The desert climate of a large part of South Khorasan has led to environmental conditions do not present everywhere in this region to form living places. Birjand is geographically formed in an environment with fertile soil, available water, and favorable weather in hot and cold seasons than neighboring areas. Also, its linking role and location in the connecting route of Khorasan and Sistan throughout history and the transfer of centrality from Qaen to Birjand during the Safavid period to the Qajar always plays a significant role in the growth and development of the city. In the middle of the Qajar period, the city's importance caused the British and Russian countries to establish consulates in Birjand. In this period, we witnessed the formation of new neighborhoods as well as markets in the city. This study aims to study the formation and development of Birjand city based on geographical conditions, historical texts, and archaeological data. The findings were collected through library and field studies with a historical and cultural approach and descriptive and analytical methods. Finally, this article seeks to answer these questions: (i) what factors have influenced the growth and development of Birjand over time? (ii) according to the architectural evidence in the old district of Birjand, where are the areas of formation of the city, and in what period is it considered the center of Qohestan?

**Keywords:** Old district of Birjand, Geographical conditions, Historical sources, Safavid, Qajar

Copyright © 2022. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

### How to Cite This Article:

Mahmoudi Nasab, A. A., Mousavi Haji, S. R., Farjami, M., & Marufi Aqdam, E. The Formation and Development of Birjand City According to Historical Documents and Archaeological Evidences. *Athar*, 43(1), 174-194.

## مقاله پژوهشی

## شکل‌گیری و توسعه شهر بیرجند با استناد به قرائن تاریخی و شواهد باستان‌شناختی

علی‌اصغر محمودی‌نسب<sup>۱\*</sup>، سیدرسول موسوی حاجی<sup>۲</sup>، محمد فرجامی<sup>۳</sup>،  
اسماعیل معروفی اقدم<sup>۴</sup>

۱. دانش‌آموخته دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۲. استاد گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۳. دانش‌آموخته دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۴. دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

## خلاصه

## اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲

## نویسنده مسئول:

علی‌اصغر محمودی‌نسب

دانش‌آموخته دکتری، گروه  
باستان‌شناسی، دانشکده هنر و  
معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر،  
ایران

## پست الکترونیک:

[aliasqarmahmoodi@yahoo.com](mailto:aliasqarmahmoodi@yahoo.com)

شهر بیرجند مرکز استان خراسان جنوبی با اینکه دارای بافت تاریخی با ارزشی است، تاکنون هیچ‌گونه کاوش باستان‌شناسی در بافت قدیمی آن صورت نگرفته و به همین دلیل، روند شکل‌گیری و رشد آن در طول تاریخ به‌طور دقیق مشخص نیست و تنها با بررسی منابع و متون تاریخی که آن هم اندک اشاره دارند و همین‌طور با توجه به شواهد و آثار تاریخی بافت قدیم بیرجند و محدوده شهر باید به روند شکل‌گیری و رشد شهر پی برد. کویری بودن بخش زیادی از خراسان جنوبی موجب شده است شرایط محیطی در همه جای این منطقه برای شکل‌گیری مجتمع‌های زیستی فراهم نشود. شهر بیرجند از منظر جغرافیایی در محیطی شکل گرفته که آب و خاک حاصلخیز و همین‌طور هوای مطلوب در فصل گرما و سرما نسبت به مناطق هم‌جوار داشته است. همچنین نقش ارتباطی آن و قرارگیری در مسیر ارتباطی خراسان و سیستان در طول تاریخ و انتقال مرکزیت از قاین به بیرجند در طی دوره صفوی تا قاجار همواره نقش بسزایی در رشد و توسعه شهر ایفا کرده است؛ به‌طوری‌که در اواسط دوره قاجار به اهمیت شهر موجب می‌شود کشورهای انگلیس و روسیه در بیرجند کنسولگری تأسیس کنند. در این دوره شاهد شکل‌گیری محلات جدید و همین‌طور بازار در شهر هستیم. هدف این تحقیق، شکل‌گیری و توسعه شهر بیرجند براساس شرایط جغرافیایی، متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی مورد بررسی بوده که جمع‌آوری یافته‌های آن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی با رویکرد تاریخی - فرهنگی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در آخر، این مقاله در صدد پاسخ به این سؤالات است: ۱. چه عواملی در روند رشد و توسعه شهر بیرجند در طول زمان تأثیرگذار بوده است؟ ۲. با توجه به شواهد معماری در بافت قدیم بیرجند، محدوده شکل‌گیری شهر، کدام نقطه بوده و در چه دوره‌ای به‌عنوان مرکز قهستان مورد توجه قرار می‌گیرد؟

کلیدواژه‌ها: بافت قدیم بیرجند، شرایط جغرافیایی، متون تاریخی، صفوی، قاجار

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازاریابی محتوا به هر شکل) و انطباق (باز ترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

محمودی، نسب علی اصغر؛ موسوی حاجی، سیدرسول؛ فرجامی، محمد و معروفی اقدم، اسماعیل. شکل‌گیری و توسعه شهر بیرجند با استناد به قرائن تاریخی و شواهد باستان‌شناختی. فصلنامه علمی اثر، ۴۳(۱)، ۱۷۴-۱۹۴.

## ۱- مقدمه

بررسی تحولات تاریخی و شکل‌گیری شهرها، هر چند در سده اخیر با توجه به متون و سفرنامه‌های موجود اطلاعاتی کافی از وضع شهر می‌دهد، هر چه به دوران قبل برگردیم، حجم این داده‌ها کمتر شده و در بعضی موارد مشکل‌ساز نیز می‌شود؛ به همین دلیل نمی‌توان بدون مستندات تاریخی در این مورد نظر داد. بی‌شک برای مطالعه ابعاد مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر شهر، به انبوهی از اطلاعات و داده‌های گوناگون نیاز داریم که با اتکا به آن مستندات، تحلیل و ارزیابی درخوری از مناسبات شهری ادوار گوناگون تاریخ را به دست داد (Yosefi Far, 2006).

بعضی شهرها می‌آیند و می‌روند، ولی برخی شهرها اگر صد بار خراب شوند، دوباره ساخته می‌شوند. موقعیت جغرافیایی، استراتژیکی و ژئوپولیتیکی استثنایی آنها دلیل پایداری آنهاست (Papeli Yazdi, 1997). آنچه مسلم است اینکه شهر به یکباره به وجود نمی‌آید و یکباره دچار رونق و رکود نمی‌شود، بلکه جریانی است که طی زمان، مراحل از شکل‌گیری، رشد و یا رکود را پشت سر می‌گذارد (Vafaei, 2005). فضای شهر، نمونه‌ای از فضای جغرافیایی است که توسط فرایندهای طبیعی نظام‌یافته به وسیله انسان، شرایط اجتماعی، سیاسی و به‌طور کلی فرهنگی هر جامعه شکل می‌گیرد (Qarashir, 2008).

در این تحقیق به شکل‌گیری و توسعه شهر بیرجند پرداخته شده و سعی بر این است با بررسی شواهد و آثار تاریخی و فرهنگی موجود در محدوده بافت تاریخی و متون تاریخی، در مورد سابقه تاریخی این شهر بحث خواهد شد. بیرجند تا مدت‌ها با توجه به شرایط جغرافیایی منطقه به‌صورت یک روستای کوچک بوده است؛ با وجود این از جمله دلایل اصلی شکل‌گیری بیرجند موقعیت جغرافیایی مناسب، دسترسی به آب کافی و زمین حاصل‌خیز و به‌مرور نقش دفاعی، مذهبی و تجاری در روند رو به رشد آن تأثیر می‌گذارد؛ از این‌رو در این تحقیق ضمن مرور مختصر تاریخ منطقه، به روند شکل‌گیری شهر با توجه به اتفاقات هر دوره در ارتباط با نقش بیرجند بحث شده است.

## ۲- پیشینه پژوهش

در مورد شهر بیرجند در کتب محلی و منطقه‌ای از جمله جغرافیای شهرستان بیرجند (Ahmadian, 1995)، بیرجندنامه (Rezaei, 2002) بیرجند نگین کویر (Behnia, 2002) و در جست‌وجوی هویت شهری بیرجند (Vafaei, 2005) به تاریخ و توسعه شهر بیرجند اشاره شده که این تحقیقات به‌صورت مختصر بوده و در این تحقیق براساس منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی به‌طور کامل‌تر به این موضوع پرداخته می‌شود.

## ۳- توصیف و بررسی

### ۳-۱- روش بررسی (روش تحقیق)

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تاریخی - فرهنگی بوده و جمع‌آوری یافته‌های آن نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است.

### ۳-۲- یافته‌های تحقیق

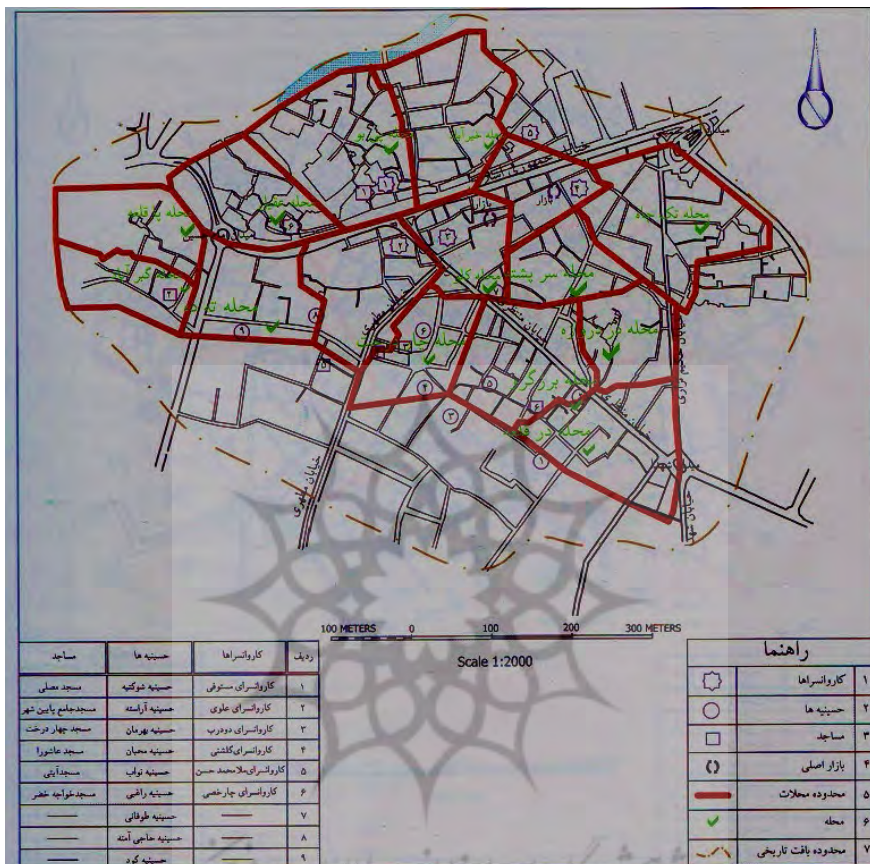
#### ۳-۲-۱- موقعیت جغرافیایی و بافت تاریخی شهر

##### بیرجند

بیرجند از لحاظ موقعیت جغرافیایی براساس (UTM) در طول و عرض ۳۶۴۰۰۱۰/۰۷۰۷۱۲۳ و ارتفاع ۱۴۵۶ متر از سطح دریا قرار گرفته است. این شهر بین دو رشته کوه شکراب (شمال) و باگران (جنوب) در یک دشت کم‌ارتفاع و از لحاظ آب و هوایی در اقلیم گرم و خشک قرار گرفته است. بافت تاریخی بیرجند در بخش میانی نیمه شمالی محدوده فعلی شهر قرار گرفته است. این بافت از شمال با مسیل کفترخان، از غرب به اراضی غرب قلعه قدیمی شهر، از جنوب به حاشیه جنوبی اراضی محور فرهنگی و تاریخی (کوچه شهید عندلیب) و از شرق با خیابان ۱۷ شهریور محدود می‌شود (Qarashir, 2008). شهر قدیم بیرجند دارای سه محله بزرگ با نام‌های محله سرده، میان ده و تده است (شکل ۱). به جز این محله‌های بزرگ و قدیمی بعدها محله‌های جدیدی در شمال و شمال غرب شهر در کرانه شمالی رود تا قبرستان احداث (محله سرپشته، محله عقیل، محله داشگران، محله سیک‌ها و...) شد (Rezaei, 2002).

پایان دوره قاجار به‌عنوان یک شهر پرجمعیت در شرق کشور از لحاظ تجاری مطرح شود.

اقدامات خاندان علم در بیرجند موجب شد بیرجند در اوایل دوره قاجار که یک شهر کوچک و دارای جمعیت اندکی بود، در



شکل ۱. ترکیب محلات بافت قدیم بیرجند

منبع (Vafaei, 2005)

### ۳-۲-۲- وجه تسمیه بیرجند

طبق اعتقادات اسطوره‌ای، بنیان شهر بیرجند را به بیژن قهرمان شاهنامه منتسب می‌دانند (Kazemi, 1996). نام بیرجند به صورت‌های برجند، برجن، برکند و بیرگند در بیشتر نوشته‌ها و فرهنگ‌ها آمده است (Afshar Sistani, 1999). راشد محصل واژه بیرجند را بازمانده و تحول‌یافتهٔ وِرژَن اوستایی می‌داند که به معنای شهر است (Mekaniki, 2004). کلمهٔ وِرژَ (به فتح اول) که به معنای زراعت و کشاورزی است و تبدیل حرف «واو» به «ب» (وِرژَ= بَرز) رایج و شایع است و در واژهٔ وِرژیدن و به هر حال به معنای زراعت‌کردن است و قرار گرفتن

واژه‌ای به معنای زراعت در اسم ده نه‌فقط مستبعد نیست، بلکه پسندیده و مطلوب است. وِرژَن به بَرَجَن و یا بَرزکان (Mehryar, 2003) و به‌مرور به بَرچَند و بعد بیرجند تبدیل شده است، اما شاید بیرجند در ابتدا به‌صورت برکان بوده که برکان صورت دیگری از بوران است؛ چون جزء آخر بوران که پسوند است به‌صورت «گان» هم درمی‌آید و «ان» و «گان» هر دو یکی است. جزء اول این واژه «بور» به معنای سرخ و اسب سرخ است (Mehryar, 2003). در برهان قاطع بیرجند به نام بیرگند و بر وزن زیربند ثبت شده است (Tabrizi, 1963). واژهٔ کهن «گند» که از آن امروز گندآور به معنای پهلوان و قهرمان در فارسی

دارای معانی پهلوی بوده و دلایل دیگر به‌مرور زمان و در اثر کثرت استفاده به وجود آمده است.

### ۳-۲-۳- بیرجند در دوره تاریخی

- بیرجند در گذشته به‌عنوان یکی از بلاد قهستان بوده است. قهستان نام سرزمینی میان نیشابور، هرات، اصفهان و یزد بوده و قصبه آن قاین است و طبس (Abulfeda, 1970). قهستان در دوره باستان خاستگاه و زیستگاه یکی از اقوام نژاد ایرانی به نام ساگارت (به معنای کوه‌نشین، غارنشین و ساکن غارهای سنگی) بوده و بخشی از ساتراپی چهاردهم هخامنشی به شمار می‌آمده است (Labfaf Khaniki, 1994; Rezaei, 2002). هرچند در داخل بافت بیرجند تاکنون کاوش‌هایی صورت نگرفته، شواهد برون‌شهری حکایت از اهمیت این منطقه در دوران تاریخی دارد، از قبیل سنگ نگاره کال جنگال (شکل ۲) که یک پیکر کنده‌شده و مردی که دست چپش را به کمر زده و با دست راست گوش شیری را گرفته نشان می‌دهد. بر بالای سنگ و تقریباً به موازات پشت شیر، نوشته‌ای در دو سطر آریب به خط گشته دیپره اشکانی کنده شده است. این نوشته که به زبان پهلوی اشکانی است، چهار واژه بیشتر ندارد و چنین خوانده می‌شود: «بری ارتخشر نخوری خشر» و معنای آن این است: «پور اردشیر نخور شهریان». به‌جز این پیکر و نوشته بالای آن چند نقش و نوشته دیگر نیز در کال جنگال دیده می‌شود.

- کتیبه کال جنگال که نقش و نام پدر یک ساتراپ (خشر - شهریان) اشکانی را به خط و زبان پهلوی اشکانی در بر دارد، به‌خوبی نشان می‌دهد ناحیه قهستان یکی از ایالت‌ها و ساتراپ‌های شاهنشاهی اشکانی و خوسف (به احتمال زیاد) ساتراپ‌نشین آن ایالت بوده و این کتیبه به فرمان یکی از ساتراپ‌های اشکانی آنجا به نام نخور پسر اردشیر (آرتخشر) کنده شده است (Rezaei, 2002). سنگ نگاره لاخ مزار با مطالعاتی که بر روی آن انجام شده، نشان از قدمت این سنگ نگاره از

رایج است، «گند» و «کند» تلفظ می‌شود و با تحقیقاتی که واژه‌شناسان امروز کرده‌اند، به هر دو صورت با «گ» فارسی و «ک» عربی رایج بوده و در تعریب «جند» شده است، ولی باز به همان معناست (Mehryar, 2003).

به روایتی دیگر هر دو جزء نام بیرجند ترکی بوده و جزء اول آن بثر به معنی یک و کند به معنای روستاست که این دو جزء در کنار هم به یک آبادی معنا می‌شود (Yazdani Shavakand, 1999) و شاید دلیلی بر این نام‌گذاری را حضور هیاطله که قومی از ترکان بوده‌اند، در دوره تاریخی و هنگام فتح قهستان در منطقه می‌دانند (Baladhuri, 1958)، اما در تلفظ برکند معنای دیگری خواهد داشت. بر به معنای خشک (مانند بر و بیابان) که به سرزمین خشک اطلاق می‌شود و کند به معنای روستا که در این صورت روستای خشک فعلی می‌شود. نام شهرهایی چون پنجکند یعنی پنج آبادی، اوزکند یعنی صد روستا (ترکی) و بیرجند یعنی یک آبادی از ساختار ترکیبی برخوردار هستند. در هر صورت موقعیت و وضعیت اقلیمی بیرجند مؤید هر دو وجه تسمیه است (Yazdani Shavakand, 1999). پیگولوسکایا می‌گوید، واژه کند به معنای حصار و باروست که همواره با واژه شهر همراه است، مانند سمرکند (سمرقند) که نامش در روزگار باستان ماراکند بوده است (Zanguei, 2009).

بیرجند - برکند، مرکب از دو جزء بر - بلندی و کند - کنده، روی هم به معنای ساخته‌شده بر بلندی معنی شده (Rezaei, 2002) که شکل طبیعی شهر کهن بیرجند هم چنین است. دیگر برجند مرکب از دو جزء بر = تلفظی دیگر از واژه بثر عربی به معنای چاه (وجود قنوات و چشمه سارهایی در این منطقه) و جند مُعرب کُند و کنده و بر سر هم به معنای چاه کنده‌شده. صاحبان این نظر در ادامه با توجه وجود نام‌جای‌هایی مانند چهکندوک و با عنایت به حضور اعراب در این منطقه از صدر اسلام تا امروز واژه بیرجند را ظاهراً خیلی قدیمی و کهن نمی‌دانند (Labfaf Khaniki, 1994)؛ بنابراین با کمی توجه به ساختار کلمه بیرجند می‌توان پی برد که ریشه این کلمه بیشتر

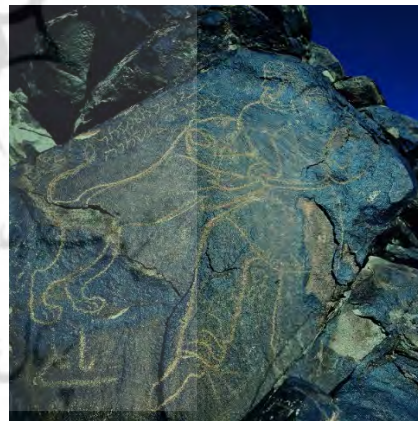
جملگی حکایت از قدمت چند هزار ساله منطقه بیرجند دارد (Behnia, 2002).

- کاوش‌هایی که تاکنون در محوطه تخرآباد صورت گرفته (شکل ۳) و وجود سفال نوشته و سفال‌های شاخص به‌ویژه سفال‌های مشابه منطقه سیستان (دهانه غلامان)، در انتساب بقایای معماری سطحی و بقایای معماری اطراف سازه اصلی و مدور تپه نشان از تعلق آن به دوره اشکانی دارد (Dana, 2019). علاوه بر این، بررسی باستان‌شناسی شهرستان بیرجند در سال ۱۳۹۱ که توسط آقای حیدری انجام شد، محوطه‌هایی از جمله قلعه قوچو شارقنج، تپه برج چشمه مولید، تپه چارده سورگ، محوطه لاخ زرد و تپه سرتختی کوچ شناسایی شد که با توجه به سفال‌های جمع‌آوری‌شده از سطح محوطه مربوط به دوران تاریخی (هخامنشی - ساسانی) است (Heidari, 2012).



شکل ۳. تپه تخرآباد  
منبع (Dana, 2018)

دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی است. ابعاد تقریبی سنگ نگاره  $4/5 \times 5/5$  متر و نگاره‌های فراوانی که تعداد آنها به ۳۰۷ عدد می‌رسد، در این سنگ نگاره شناسایی شده که شامل نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی، هندسی، کتیبه‌های پهلوی، فارسی، عربی و علائم و نمادهاست. کتیبه‌های این سنگ نگاره شامل، کتیبه‌های پهلوی (اشکانی و ساسانی) ۸۱ مورد، کتیبه‌های فارسی هشت مورد و کتیبه‌های عربی ۳۵ مورد است (Labfaf Khaniki & Bashshash, 1994). از نقوش روی لاخ مزار می‌توان به نگاره‌هایی اشاره کرد که با توجه به مدارک و شواهد مربوط به قباد ساسانی است (صحنه بزم و عروسی قباد با دختر آخسنواز و صورت چند شخصیت هپتالی). این نقش قابل مقایسه با نقاشی‌های دیواری پنجنکت که به احتمال مربوط به قرن پنجم و ششم میلادی و منتسب به هیاطله است (Labfaf Khaniki & Bashshash, 1994) و کتیبه‌های پهلوی تنگل استاد



شکل ۲. نقش نگاره کال جنگال  
منبع (Archive of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of South Khorasan)

(Baladhuri, 1958). در این منطقه و در اوایل اسلام شورش‌هایی علیه حکومت اعراب صورت گرفته که از جمله می‌توان به شورش قارن در سال ۳۲ ه.ق (Tabari, 1996) شورش استادسیس در سال ۱۵۰ ه.ق (Tabari, 1996) و شورشی در سال ۱۸۱ ه.ق توسط حمزه آذرک اشاره کرد (Anonymous, 1973).

۳-۲-۴- بیرجند در قرون اولیه و میانی اسلامی  
در منابع مکتوب قرون اولیه اسلام نامی از بیرجند به میان نیامده است، اما آنچه مشخص است، بیرجند به‌عنوان منطقه‌ای از قهستان (خراسان جنوبی) است که این منطقه توسط آحنف بن قیس در سال ۲۹ ه.ق به تصرف سپاه اسلام درمی‌آید

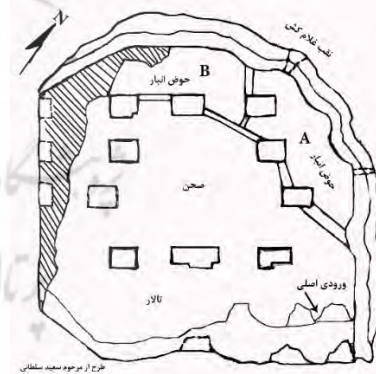
داشته است. از جمله سازه‌های مرتبط با شهر بیرجند هم‌زمان با نهضت اسماعیلیه، قلعه بزرگ دره یا حوض غلام‌کش است (شکل‌های ۴ و ۵) که در ارتفاعات جنوبی بیرجند و دامنه شمالی رشته کوه باقران مشرف به شهر بیرجند قرار دارد و در حدود ۴۰۰ متر عرض و ۷۰۰ متر طول دارد که با توجه به مخازن بزرگ آبی که در آن وجود داشته، از قلاع مهم و تدارکاتی اسماعیلیان بوده است. همچنین احتمالاً این دژ در حمایت و تدارک قلاع دیگر اسماعیلیان در کوه‌های باقران و نهارجان مانند قلعه قلاع مود، رستم خوسف و ناصری القور بیرجند نقش مؤثری داشته و ساکنان قلعه با استفاده از این دژ راه مهم تجاری سیستان، خراسان، اصفهان و طبرستان به قندهار را در اختیار داشته‌اند. این قلعه به دلیل موقعیت راهبردی و اینکه به شهر و دشت بیرجند اشراف داشته است، حرکت کاروانیانی را که از راه کرمان به هرات و کاروان‌هایی را که از نیشابور به سیستان از این محل عبور می‌کرده‌اند، تحت نظر قرار می‌داده است.



شکل ۵. فضای داخلی محدوده معروف به حوض غلام‌کش  
منبع (Authors, 2008)

برادر طوغان حکمران مغولی قهستان با دسته‌ای از مغولان به شهر نه (نهبندان) هجوم بردند و حاکم آن شهر را که دست‌نشانده ملک نصیرالدین سجستانی بود، بیرون راند و رعایا را به قهستان کوچانید و خدام ملک نصیرالدین در همان سال فرزند خود، شاه شمس‌الدین علی، معروف به علی‌شاه را مأمور باز

در زمان سلجوقیان، قهستان به تصرف اسماعیلیان درآمد. قهستان پیش از تصرف توسط فرقه اسماعیلیه، در دست خاندان سیمجوری از امرای آل سامان در خراسان بود (Ibn Khaldun, 2004). حسن صباح در سنه ۴۸۴ ه.ق حسین قاینی را که یکی از داعیان او بود به قهستان فرستاد تا آنجا مردم را به کیش خود درآورد (Juvayni, 2008). در طبقات ناصری آمده که هفتاد قلعه در بلاد قهستان است (Juzjani, 1964). کوهستانی بودن منطقه و دورافتاده بودن آن از مراکز حکومتی و محصوربودن آن توسط کویر شرایط گسترش این فرقه در این منطقه را فراهم می‌کند. از جمله اینکه، شاهراه ارتباطی شمال به جنوب (خراسان و سیستان) از این منطقه عبور می‌کرده، خود نقش مهمی داشته است و معمولاً مکان‌هایی برای ساخت قلعه در قهستان انتخاب می‌شده که نیازهای آنها را چه در امر کنترل مسیرهای سوق الجیشی، آب، مواد غذایی، نیروی نظامی (منظور مناطق پرجمعیت تشیع) و ... برآورده کند. هر چند تا این دوره در منابع تاریخی نامی از بیرجند به میان نیامده است، اما شواهد نشان می‌دهد قصبه بیرجند وجود



شکل ۴. پلان قلعه دره

منبع ( Archive of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of South Khorasan)

از این تاریخ به بعد، منابع به بیرجند اشاره دارند که به معرفی آن می‌پردازیم: یاقوت حموی (۵۷۴-۶۲۶ ه.ق) می‌نویسد: «بیرجند دیهه است از قوهستان» (Hamawi, 1995). نام بیرجند در ذیل حوادث تاریخ سیستان در اواخر قرن هفتم هجری نیز آمده است (Ahmadi Birjandi, 1998). آنجا که

با توجه به این شواهد، می‌توان گفت در دوره ایلخانی پیشرفت شهر تا محله سَرده بوده است؛ برای نمونه در سال ۱۳۸۴ ه.ش بر اثر خاک‌برداری به‌منظور عبور لوله فاضلاب در یکی از خیابان‌های بافت قدیم بیرجند (گورستان شرق-خیابان حکیم نزاری) به آثاری از دوره‌های تیموری تا صفوی برخورد شد (شکل ۶). در این گودبرداری، فضاهای معماری زیاد که تقریباً سالم بود مربوط به دیوارهایی با ارتفاع ۲ متر که با مصالح خشت و آجر ساخته شده بود، به دست آمد که در بعضی قسمت‌ها، ستون‌هایی مدور نیز به کار رفته بود و پوشش فضاها به‌صورت گنبدی و ضربی انجام شده بود (متأسفانه در رابطه با این فضاها، گزارش مستندی تهیه نشده و بعد از لوله‌گذاری مسیر گودبرداری پر می‌شود). با توجه به موارد بالا، بیرجند هنوز از لحاظ وسعت و جمعیت هر چند یک مرکز کوچک است، با این وجود شرایط رشد و شکوفایی بیرجند از زمانی که حمدالله مستوفی به‌عنوان دهی از آن یاد می‌کند، چشم‌گیر بوده است و به‌عنوان یک مرکز، نسبت به آبادی‌های اطراف مطرح بوده است. همچنین از کشاورزی فعالی که محصولات پرسود (کشت زعفران) کشت می‌شده است، اشاره دارد و با توجه به قرارگیری بیرجند در مسیرهای منتهی به جاده ابریشم می‌توان گفت کشت این محصول به‌عنوان یک ادویه تجاری، در این منطقه مورد توجه بوده است.

پس‌گیری شهر نه کرد. علی‌شاه پس از دریافت فرمان پدر به قهستان حمله کرد (Baibordi, 1991) و شهرهای نه، خوسف و بیرجند و باقی شیب قهستان را به تصرف خود درآورد (Anonymous, 1973) و مغولان را به سال ۶۹۴ ه.ق از قهستان بیرون راند (Baibordi, 1991). در این دوره بیرجند می‌توانسته خود مرکز با چندین آبادی تابع باشد که حاکم دستور به تصرف آنجا را داده است. آنچه مسلم است اینکه بیرجند در این دوره به‌دلیل موقعیت جغرافیایی خود، دارای نقش کلیدی است.

حمدالله مستوفی (۶۸۰ تا ۷۵۰ ه.ق) قهستان را شانزده ولایت می‌داند، تون، قاین و جنابد را بلاد معظم و ترشیز، دشت بیاض، بیرجند، خوسف، زیرکوه، طبس مسینا، طبس گیلکی، مومن‌آباد و سربیشه را ولایت‌های منضم به این سرزمین دانسته است. بیرجند قصبه‌ای است و در آن قصبه زعفران بسیار باشد و اندکی غله حاصل شود و چند موضع و توابع دارد و در دیه‌های آن انگور و میوه‌ها باشد. نزاری شاعر از آن موضع است (Mustawfi, 1957). سعدالدین نزاری قهستانی (متولد ۶۴۵ ه.ق) یکی از شاعران اسماعیلیه قهستان و به قولی با سعدی رفاقت داشت (Eqbal, 2009). نزاری به سال ۷۴۱ ه.ق وفات یافت و در قبرستان شرقی بیرجند به خاک سپرده شده است (Baibordi, 1991). این گورستان در نزدیکی محله سَرده قرار داشته است (Ganji, 2003) و از ارگ بهارستان تا قسمتی از شرق و شمال شرقی شهر کنونی را فرامی‌گرفت (Rezaei, 2002).



شکل ۶. شناسایی بقایای معماری در حین گودبرداری در خیابان حکیم نزاری

منبع (Nasrabadi, 2006)



بهارستان (شکل ۹) در محله سَرده ساخته و ارتباط بین دو قلعه از طریق راهی زیرزمینی امکان‌پذیر می‌شود. قلعه تَه‌ده، داخل بافت قدیم بیرجند و بالای تپه نسبتاً مرتفعی واقع شده و در دوره صفویه بنا شده و در دوره قاجاریه بازسازی اساسی شده که این قلعه مردم شهر را در مقابل تهاجمات دشمنان به‌ویژه ازبک‌ها و ترکمن‌ها محافظت می‌کرد. نقشه قلعه به شکل چهارضلعی با مساحت ۲۵۰۰ متر و با چهار برج مدور در چهارگوشه و دو برج در دو ضلع غربی و شرقی است. در ابتدا این قلعه دارای هفت برج بوده است و دو درب ورودی در ضلع جنوب شرقی و غربی دارد.



شکل ۷. عکس هوایی از قلعه بیرجند

منبع (Archive of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of South Khorasan)

این قلعه در گذشته بناها و عناصر معماری متعددی را شامل می‌شده که این فضاها امروزه تخریب شده است. وجود قطعات آجر و سفال در میان مصالح ساختمانی قلعه، حاکی از آن است که در گذشته این قلعه با تأسیساتی همراه بوده است که طی حفاری صورت‌گرفته در قلعه تنها یک مکان که دال بر وجود تونل (در ورودی جنوب قلعه) و فضاهای معماری مربوط به دوره صفویه (شکل ۸) نیز کشف شده است (Nasrabadi, 2006). دکتر بلیو که در زمان میرعلم خان سوم (۱۲۸۸ ه.ق) به بیرجند آمده است، درباره قلعه این‌طور می‌نویسد: «در قسمت غربی بیرجند بر روی تپه‌ای دژی قرار گرفته که از آنجا شهر را محافظت می‌کنند. در بخش جنوبی شهر، قصر حاکم بنا شده

با روی کار آمدن حکومت تیموری و به‌ویژه فرمانروایی شاهرخ که سرآغاز یک عصر جدید و تجدید حیات در انواع هنرها معرفی می‌شود و هرات به‌عنوان پایتخت انتخاب می‌شود، قصبه بیرجند رو به پیشرفت گذاشت و علمای بیرجندی به دربار هرات راه پیدا کردند. نزدیکی هرات و بیرجند و وجود راه‌های تجاری که از بیرجند می‌گذشتند و به هرات منتهی می‌شد، به این پیشرفت کمک زیادی کرد (Forqani, 2006). از جمله این هنرمندان می‌توان به حسین‌الدین ابن شهاب‌الدین بیرجندی (Ehsani, 1989) و عبدالعلی بیرجندی (وفات ۹۳۴ ه.ق) منجم این دوره در دربار علیشیر نوایی اشاره کرد (Soroush, 2007).

حافظ آبرو (۷۶۰ - ۸۳۳ ه.ق) درباره بیرجند می‌نویسد: «مردم آن ناحیه اکثر بازرگان باشند و آب کاریز دارند و آب زمین هر یک علی‌حده قسمتی تمام دارد. ناحیتی مختصر است، سه قریه (و سی) و پنج مزرعه دارد. نزاری شاعر از این قصبه است و در این قریه زعفران بسیار کارند» (Khafi, 1991). در دوره تیموری شهر بیرجند با توجه به شواهد موجود، دارای مسجد بوده، این مسجد امروزه در محله چهار درخت واقع است. هرچند بنای امروزی مربوط به دوره قاجار است، با توجه به عناصر باقی‌مانده و نظر به اینکه مسجد دارای دو محراب بوده و یکی از محراب‌ها مربوط به دوره تیموری است، می‌توان گفت در این دوره شهر مورد توجه بوده و شهر دارای مسجد جامع است. وجود مسجد جامع در بیرجند نشان از این امر است که در دوره تیموری، به احتمال زیاد بیرجند دارای مساجدی زیادی است که در این دوره مسجد جامعی را برای شهر ساخته‌اند.

### ۳-۲-۵- بیرجند در قرون متأخر اسلامی

در دوران صفویه، بیرجند به این دلیل که در مرکز کویر واقع شده بود، برای کاروان‌هایی که از اصفهان و یزد به قندهار و هند حرکت می‌کردند، یک منزلگاه شناخته شده بود. به‌مرور زمان در اثر گسترش راه‌های تجاری و کثرت عبور و مرور، این منزلگاه رشد می‌کند (Behnia, 2002). از دوره صفویه، بیرجند از لحاظ استحکامات دفاعی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و قلعه بیرجند (شکل ۷) در محله تَه‌ده و بناهای نسبتاً زیادی در بافت شهر ساخته می‌شود؛ به‌طوری‌که در دوره زندیه، ارگ

سرداران نادرشاه بوده است. به سال ۱۱۴۴ ه.ق حکومت قاینات به او واگذار شد (Zanguei, 2009).

پس از مرگ امیر اسماعیل‌خان خُزیمه، حکومت قهستان به امیر علم‌خان (حشمت‌الملک) واگذار شد. وی از کودکی در رکاب نادرشاه تربیت شده بود. پس از امیر علم‌خان پسرش امیر علیخان به حکومت قهستان رسید. امیر علیخان در جنگ‌هایی که بین لطفعلی‌خان و آقامحمدخان قاجار روی داده بود، به لطفعلی‌خان زند از کرمان عقب نشست و به طرف بیرجند آمد، او را پناه داد و بعد عده‌ای سوار قاینی و سیستانی را همراه او کرد و این عده در جنگ مجدد لطفعلی و آقا محمدخان در کرمان جنگیدند (Monsef, 1975). از جمله بناهای مهمی که در بافت تاریخی بیرجند در این دوره ساخته شد و لطفعلی‌خان زند نیز چهل روز در آن اقامت داشت، ارگ بهارستان (باغ زرشکی) است (شکل ۹) که به‌عنوان دارالحکومه مرکز، نقش اساسی در بافت بیرجند داشته است. احداث ارگ بهارستان به زمان امیر علم‌خان فرزند امیر علم‌خان اول به اواخر دوره افشاریه و اوایل حکومت زندیه برمی‌گردد (Mollahzadeh & Mohammadi, 2006).



شکل ۹. ارگ بهارستان - دید از شمال  
منبع (Fayzkhah, 2001)

دوره صفویه تا اواخر قاجار عوامل سیاسی، بیرجند را تحت تأثیر قرار داده و با انتقال مرکز قدرت از قاین به بیرجند، کارکرد سیاسی (حاکم‌نشینی) و اقتصادی (موقعیت ارتباطی، مرکز

که دیوار محکمی به دور آن کشیده شده است و روی پاره‌ای از تپه‌های شمالی شهر سه یا چهار برج مخروطه دیده می‌شود» (Taheri, 1969).

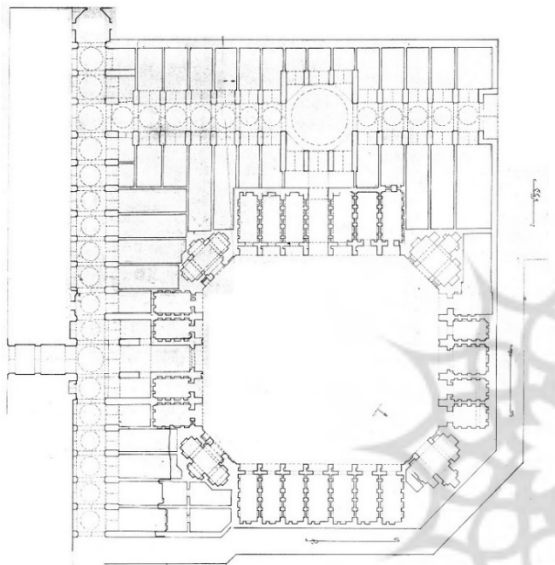


شکل ۸. آواربرداری فضاهای برج جنوب شرقی قلعه بیرجند  
منبع (Authors, 2015)

هاینریش فن پوزر (۱۰۴۲ ه.ق) که از طبس گلشن از طریق بیرجند به افغانستان رفته، از بیرجند با نام برجیان نام می‌برد و از آسبادهای بادی در بیرجند یاد می‌کند که امروز وجود ندارد (Gabriel, 1969). در دوره صفویه نیز بناهایی در حومه شهر ساخته می‌شود؛ از جمله باغ و عمارت اکبریه که در اواخر دوره صفویه توسط خاندان خزیمه علم شکل گرفته است. بنای اولیه باغ اکبریه و روستای آن با یک مسجد و حمام عمومی به میر علم‌خان سوم (حشمت‌الملک) تعلق داشته است (Yazdani & Shavakand, 1999).

موقعیت سوق الجیشی و جغرافیای سیاسی بیرجند موجب شد در اواخر عهد صفوی و مقارن با حکومت نادرشاه خاندان خُزیمه که نقش مهمی در سرکوب و اخراج مهاجمان افغانی داشتند، شهر مورد توجه خاص حکومت قرار گرفت و به تدریج حاکم‌نشین شد (Zanguei, 2009). انتقال سیاسی، امنیتی و حکومتی از قاین به بیرجند، شاید مهم‌ترین عامل تحول شهر بیرجند باشد (Vafaei, 2005). خاندان خُزیمه از اواخر حکومت شاه سلطان حسین در ناحیه جنوب خراسان قدرت یافتند. اولین فردی از این خاندان که نامی از او در منابع تاریخی آمده است، امیر اسماعیل‌خان خُزیمه است حاکم فراء و قاینات از

کاروانسرا بود و به‌مرور بر اثر گسترش فعالیت‌های تجاری در اواسط دوره قاجار این تعداد به ۲۰ کاروانسرا رسید. در این دوره نه‌تنها بیرجند محل تجمع بازرگانان ایرانی (یزدی و کرمانی) بود، بلکه تجار هندی و گاهی انگلیسی برای مذاکره و ملاقات برای بهبود مبادلات بیرجند را انتخاب می‌کردند.



شکل ۱۰. پلان کاروانسرای مستوفی

منبع (Archive of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of South Khorasan)

بیرجند در دوره قاجار در مبادلات سیاسی- نظامی ابرقدرت‌ها برای حفظ هندوستان، نقش استراتژیکی، ژئوپولیتیکی، نظامی و اقتصادی بزرگی در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی بازی کرده است (Papeli Yazdi, 1997). دهه آخر قرن ۱۳ ه.ق تا سال ۱۳۵۹ ه.ق بیرجند نقش مرکزیت اداری منطقه‌ای وسیع‌تر از قهستان یعنی سیستان و قهستان، شامل شهرستان‌های زابل، نهبندان، بیرجند و قاین فعلی را به عهده داشته و اداره امور مرزی افغانستان را تا محدوده فعلی شهرستان خواف حل و فصل می‌کرده است (Papeli Yazdi, 1997). همچنین با رونق گرفتن تجارت و گسترش ارتباطات میان انگلیس و هند<sup>۱</sup> از نظر اقتصادی شکوفایی بیشتری پیدا کرد

انباشت تولیدات و سرمایه‌های منطقه تحت نفوذ حکام محلی، مرکز توزیع کالاهای داخلی و خارجی در شرق ایران) به خود می‌گیرد و انعکاس این کارکردها به‌صورت پدیده‌های فضای و مکانی جدید در رشد و توسعه شهر نقش مهمی داشته است (Barzegaran, 1997). بیرون‌راندن افغان‌ها از سیستان به سال ۱۲۵۴ ه.ق توسط امیر علم‌خان خُزیمه سبب شد حکومت سیستان نیز بر قلمرو حکومت این خاندان اضافه شود و با ایجاد امنیت، تجارت در این منطقه توسعه یافت (Behnia, 2002). در تاریخ اجتماعی ایران درمورد بیرجند این‌طور آمده که قصبه بیرجند در کمال آبادانی و معموری است و خیلی بانظم که از نظم حشمت‌الملک و سیاست او هیچ‌کس قادر به شرارت و ارتکاب اعمال قبیحه نیست؛ گویا اسم دزد و شرابخوار در آن قصبه کسی نمی‌داند (Ravandi, 2003). از نوشته‌های یوان اسمیت و دکتر هنری بلیو (هم‌زمان با حکومت میر علم‌خان سوم) چنین استنباط می‌شود که بیرجند در قحطی ۱۲۸۸ ه.ق آسیب و زیان کمتری دید. به عقیده اسمیت، بیرجند حدود ۳ هزار باب خانه دارد و هیچ بنا و عمارت مجللی در آن به چشم نمی‌خورد. در آنجا شش کاروانسرا و ۲۰۰ باب دکان وجود داشت و در سال ۱۲۸۷ ه.ق به بعد به دستور امیر قاین مشغول ساخت بازار بزرگی برای شهر بودند (Taheri, 1969). در دوره قاجار رشد و رونق اقتصادی بیرجند و بارانداز بودن شهر موجب ساخت بازار شد.

بازار بیرجند در شیب شمالی تپه‌های شهر واقع بود و یک راسته اصلی با راسته‌های فرعی بود. این بازار از شرق به غرب ادامه داشت و تالاب بند باروت کوبان کشیده می‌شد (Rezaei, 2002) که بعدها بر اثر گسترش شهر در سمت غربی رود نیز بازار ساخته شد (Rezaei, 2002). به‌مرور شمار کاروانسراها و سراهای تجاری بیرجند در دوره قاجار به ۲۰ باب رسید که ۱۳ باب در بازار و جنوب رود و ۷ باب در شمال آن واقع و از شرق به غرب امتداد داشت (Rezaei, 2002). از جمله این کاروانسراها می‌توان به کاروانسرای مستوفی (شکل ۱۰)، محسن‌زاده، ملاحسن مؤدی، علوی، گلشنی، سادسی، خرازی و ... اشاره کرد (Masoudi, 2010). در اوایل دوره قاجار، بیرجند دارای شش

بیشتر سفرنامه‌نویسان خارجی و حتی داخلی از بیرجند دوره قاجار به‌خوبی یاد کرده‌اند و جمعیت شهر را نیز ذکر کرده‌اند. یوان اسمیت دربارهٔ بیرجند این‌طور می‌نویسد که شهر را رود کوچکی به دو بخش نامتساوی تقسیم کرده است. بیرجند اکنون در حدود ۱۵ هزار نفر جمعیت دارد و ۷۰ یا ۸۰ ده از توابع آن به شمار می‌رود (Taheri, 1969). دکتر هنری بلیو (۱۲۸۸ ه.ق) شهر را صاحب ۲ هزار خانه با جمعیتی کمتر از ۱۲ هزار نفر می‌داند و می‌نویسد که مرکز جدید قاینات شهری بدون حصار است (Taheri, 1969). فردریک جان گلداسمید ۱۲۹۳ ه.ق سرپرست هیئت و مأمور تعیین و تنظیم مرزهای شرقی ایران، جمعیت بیرجند را بالغ بر ۱۵۰۰۰ هزار نفر ذکر کرده است (Farjami, 2011)، اما استیوارت می‌گوید جمعیت بیرجند در سال ۱۳۰۸ ه.ق به ۱۴ هزار تن بالغ می‌شد و لورینی در همین اواخر، جمعیت آن را ۱۸ هزار نفر تخمین زده است (Ruhbakhshan, 2012).

مک گرگور بیرجند را این‌طور توصیف می‌کند: «شهر بیرجند در کنارهٔ سمت چپ (شرقی) رودخانه بیرجند و به موازات ناهمواری‌های کوتاهی حرکت می‌کند، واقع شده است. آن قسمت از شهر که در طرف چپ رود واقع است، به‌وسیلهٔ دیواری کوتاه محصور شده که دروازه‌های متعدد دارد؛ البته در طرف راست رودخانه نیز چند خانه برپا شده که با به حساب آوردن آن‌ها، کل مساحت شهر بیش از یک مایل در نیم مایل (۱/۶۰۹ در ۰/۸۰۴ کیلومتر) نخواهد بود. شمار خانه‌ها حدود ۳۰۰۰ باب می‌شود. بازار سرپوشیده‌ای در اینجا نیست، اما چند خیابان دارد که در آنها فروشگاه‌های خوبی وجود دارد. وی از فروشگاه‌های بندر کراچی به بدی و از بازار سرپوشیده و فروشگاه‌های بیرجند به نیکی یاد می‌کند. ذخیره آب آن محدود و بستگی به ریزش باران دارد. این آب از کاریز و از کوه‌های جنوبی تأمین می‌شود. بیرجند بر سر راه کرمان، یزد، هرات، سیستان و شهرهای میان راه واقع شده است؛ از این‌رو بازرگانان شهرهای مختلف به اینجا رفت و آمد می‌کنند. موقعیت نظامی آن بسیار مهم است» (McGregor, 1987). سرپرسی سایکس دربارهٔ بیرجند این‌طور می‌نویسد که «بیرجند با سایر شهرهای

(Ahmadian, 1995) و موجب تجمع تجار و صنعتگران در شهر بیرجند شد. از این تاریخ به بعد بیرجند از طرفی مرکز توزیع محصولات و مصنوعات هند و خاور اروپا از قبیل چای، شکر، ادویه، کبریت و... بود و از طرف دیگر، محل صدور محصولات قاینات و خراسان از قبیل، پشم، زیره، زعفران، پوست، خشکبار و... از راه بیرجند بود که واردات نوع اول به بازارهای شمال ایران حتی قفقاز، ترکستان و روس می‌رسید و در نتیجه این تحول اقتصادی، فعالیت بازرگانی عجیبی در آن به وجود آمد؛ به‌طوری‌که یکی از اولین شعب بانک شاهنشاهی ایران به مدیریت هیل انگلیسی (۱۳۳۲ تا ۱۳۳۷ ه.ق) در بیرجند تأسیس شد و تجار معتبری در آن جمع شدند (Bastani, 2008).

در زمان وی روند فعالیت بانک شاهی سیر مثبتی داشته و از همان آغاز، بانک توانست به‌راحتی تمامی امور تجاری و مالی را در بیرجند در دست بگیرد و از حمایت تاجران و حاکم محلی برخوردار شود و بیشتر نقل و انتقالات این شهر را با سایر شعبه‌ها در شهرهای مجاور در دست داشت (Alizadeh Birjandi & Nadi, 2012). کاروان‌های عظیم از بندرعباس به کرمان یا خبیص و از آنجا از طریق بیرجند به شمال خراسان و نواحی دیگر کشور حمل می‌شد و در مقابل نفت باکو و ترنج مازندران برای مصارف داخلی و پشم، پنبه و فرش برای صادرات به خارج، از بیرجند می‌گذشت (Ganji, 2003).

بیرجند از این پس فعال‌ترین مرکز تجاری در شرق ایران شد و بازرگانی که در بیرجند مستقر بودند، به تأسیس نمایندگی در سایر شهرها به‌ویژه مشهد، سبزوار، اصفهان و یزد پرداختند. در بیرجند چند تاجر هندی اقامت داشتند که کالاهای وارداتی و صادراتی ایران و هند را هماهنگ می‌کردند (Behnia, 2002). حاج شیخ محمدحسین منشی‌زاده در سفرنامهٔ خود دربارهٔ بیرجند این‌طور می‌نویسد: «جمعیت بیرجند تقریباً شش هزار نفر و جای آباد و خوبی است. هوای اینجا هم بسیار خوب می‌باشد، ولی آب خوبی ندارد» (Monshizadeh, 1992).

داخل شهر آورده شده بود. وضع کشت زمین خوب نبود؛ زیرا آب آن فقط از قنات شور تأمین می‌شد (Gabriel, 1992). بازار جدیدی در شهر ساخته شده بود و شعبه‌ای از بانک ملی که یک دانمارکی ریاست آن را داشت، افتتاح شده بود (Gabriel, 1992).

• زین‌العابدین شیروانی در بستان السیاحه می‌نویسد: «بیرجند قصبه‌ای است شهر مانند، دارالملک قهستان و از توابع خراسان است. گویند نزدیک چهار هزار خانه دارد. نواحی و مضافات بسیار دارد، آبش از کاریز و هوایی معتدل به گرمی مایل دارد. مردمش همه شیعه مذهب و حاکمش از طایفه عرب است» (Shirvani, Dateless). در دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی، بیرجند را شهری کوچک، اما آباد و پرجمعیت معرفی کرده است (Afshar, 2001). میرزا محمدباقر مشهور به میرزا خانلرخان یا اعتصام‌الملک در مورد بیرجند نیز می‌نویسد که «اگرچه آباد جایی است، ۵ هزار خانه دارد، ولی به وضع دهات و دکانین و بازارش مثل دهات، بازار سرپوشیده ندارد، این شهر دو قنات دارد و همه خانه‌ها باید با مشک از این دو قنات آب ببرند. خانه‌ها از دو طرف یک تل بزرگی، در دامنه تل، بعضی‌ها فوق بعضی واقع شده است. هوایش گرم و خشک و آبش شور است» (Mirza Khanlar Khan, 1972). تپه بزرگی در وسط شهر است که آبادی قدیم همه در سمت جنوب تپه بوده و کم‌کم آبادی زیاد شده، در سمت شمال هم بازار و خانه‌ها بسیار ساخته‌اند. در سمت شمال (محلّه خیرآباد) هم میرزا محمدعلی مستوفی، قناتی جاری کرده و کاروانسرا، حمام، تکیه و بازاری ساخته است (Mirza Khanlar Khan, 1972).

### ۳-۳- یافته‌های تحقیق

#### ۳-۳-۱- تحلیل دلایل شکل‌گیری، رشد و

##### شکوفایی شهر بیرجند

مکان اصلی شکل‌گیری شهر بیرجند به دلیل اینکه کاوش‌های باستان‌شناسی در درون بافت قدیمی شهر صورت

ایران تفاوت زیادی دارد، شهر فقط یک قنات دارد که متأسفانه آب آن نیز مشروب نیست و اهالی از آب، آب انبار استفاده می‌کنند» (Saykes, 1957).

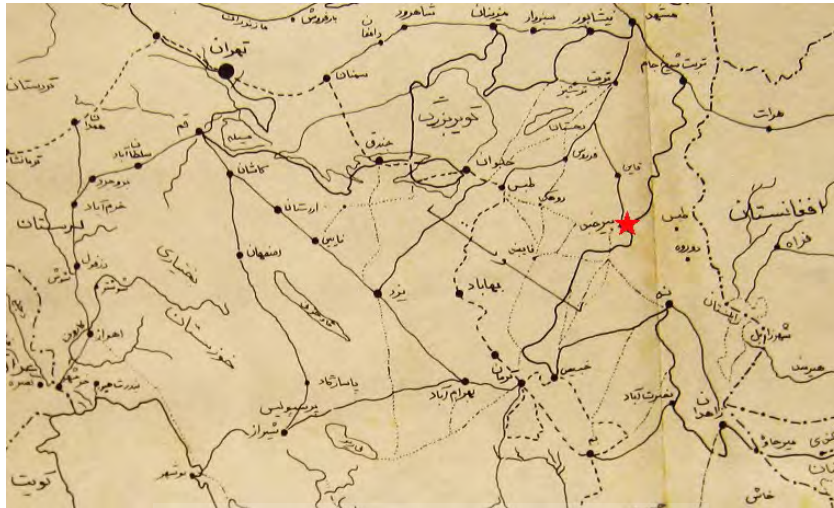
• ادوارد بیت دربارهٔ بیرجند این‌طور می‌نویسد: «بیرجند شهر نسبتاً بزرگی است و گفته می‌شود ۲۵۰۰۰ سکنه دارد. شهر رو به آبادی بود و چنین به نظر می‌رسد که خانه‌های نوساز و مردم در آن ساکن هستند و فقط تعداد کمی خانه‌های ویران و متروک برخلاف سایر نقاط ایران در آن دیده می‌شد. در اطراف شهر به دلیل کمبود کلی آب در منطقه، آب فراوان نبود. آب قنات که در شهر جاری بود، مزه شوری داشت و آب شیرین از چشمه‌های نزدیک دهکده متعلق به حاکم و واقع در پای کوه باگران تهیه می‌شد. گفته می‌شود تمامی تجارت بیرجند از طریق بندرعباس انجام می‌شود. شنیدم در طول سال ۳۸۰۰ بار شتر، خشکبار، پوست زعفران و تریاک توسط تجار بیرجندی به بندرعباس ارسال می‌شد. این کاروان‌ها از طریق راه طولانی یعنی نه (نه‌بندان) و بم تردد می‌کردند و در هر دفعه رفت و برگشت نزدیک دو ماه در راه بودند. این کاروان‌ها در زمان برگشت با خود پارچه، چای، ادویه، آهن، نیل، شکر و مس می‌آوردند (Yate, 1986). لرد کرزن می‌نویسد: «جمعیت قاینات از اصل ایرانی و عرب، تخمیناً در حدود ۸۰ هزار نفر است. مرکز حکومت سابقاً در قاین بود، ولی بعداً به بیرجند که شهری وسیع‌تر و بدون حصار و دیوار است، انتقال یافت و چهارده هزار تن جمعیت دارد» (Curzon, 1983). هیل بیرجند را دارای پانزده هزار نفر جمعیت می‌داند (Hill, 1989).

• در کتاب "عبور از صحاری ایران" در رابطه با بیرجند این‌طور آمده است: «شهر بیرجند به صورت گسترده‌ای روی تپه‌ای بنا شده بود و حدود ۱۲۰۰۰ نفر جمعیت داشت. با وجود اینکه در کنار شاهراه پر رفت و آمد کناره دریای خزر به زابلستان و سپس هند قرار داشت، معذالک دچار کمبود آب بود و پیشرفتی نداشت. البته در سال‌های اخیر با زدن چاه، کمی آب شیرین برای شرب ساکنان به

را ایفا می‌کرده است. وجود یک شبکه ارتباطی و راه‌های کاروانروی مهم در منطقه که حجم قابل توجهی از مبادلات تجاری از طریق آنها صورت می‌گرفته و قبل از حاکمیت اسماعیلیه بر منطقه هم مورد توجه جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها و حتی تجارت بوده است، در دوره سلجوقی نیز مدنظر این فرقه بوده و در بیشتر منابع هم که اشاره می‌شود، شکل‌گیری یا استفاده این قلعه‌ها را در مناطقی ذکر می‌کند که از لحاظ کشاورزی و بعد اقتصادی و همین‌طور نیروی کار و مذهبی نیاز آنها را تأمین می‌کند. قلاع مهم را در مراکز پرجمعیت با توابع زیاد می‌ساختند. همان‌طور که حمدالله مستوفی در نزه‌القلوب اشاره دارد، بیرجند دارای چند موضع و به کشاورزی بیرجند از لحاظ کشت زعفران اشاره می‌کند (Mustawfi, 1957) که بعداً در دوره تیموری حافظ آبرو نیز به کشت آن اشاره کرده (Khafi, 1991) که این اهمیت بیرجند را در قرون میانی اسلامی نشان می‌دهد که اسماعیلیان تا چه اندازه برای گسترش مذهب خود به مناطق هدف توجه می‌کردند. راه‌هایی که از قهستان می‌گذشت، میان جاده ابریشم و ادویه ارتباط برقرار می‌کرد. قرارگیری بیرجند در منطقه‌ای کوهستانی که راه‌های مهم از شمال، جنوب و غرب در این نقطه به هم متصل می‌شده است، نقش مهمی را ایفا کرده است (شکل ۱۱)، اما چه شده که در طول تاریخی کمتر از بیرجند یاد شود؟ می‌توان این‌طور یاد کرد که در دوره پیش از اسلام این راه‌ها کمتر مورد توجه بوده و با شروع فتوحات اسلام نقش این مناطق مهم می‌شود؛ به‌طوری‌که طی قرون اولیه اسلام امامزادگان بسیاری برای رفتن به مشهد از این مسیر (قهستان) عبور می‌کردند و حتی بعضی از آنها (امامزادگان باقریه) در اینجا (بیرجند) به شهادت رسیدند. در واقع شهر بیرجند از لحاظ راه‌های ارتباطی به‌عنوان نقطه تلاقی مهمی بوده و همین سبب موقعیت استراتژیکی آن شده است؛ به‌طوری‌که در بیشتر آبادی‌های رشته کوه باغران امامزادگانی دفن هستند.

نگرفته، به‌طور قطع مشخص نیست و همان‌طور که بیان شد براساس متون تاریخی و بناهای موجود در بافت قدیم شهر بیرجند باید به نحوه شکل‌گیری و رشد شهر پی برد. هر چند یاقوت حموی در معجم البلدان و حمدالله مستوفی در نزه‌القلوب از بیرجند به‌عنوان دهی یاد می‌کند (Hamawi, 1995; Mustawfi, 1957). با وجود این در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، روستا را نباید به نفع شهر کنار گذاشت، بلکه در تاریخ ایران، توجه به روستا، مقدم بر توجه به شهر است. شکل‌گیری شهرهای بزرگ براساس ظهور شبکه‌ای از روستاهای کوچک و بزرگ و سرازیر شدن اضافه تولید روستایی است تا شهر امکان ظهور یابد. این امر در دوره سلجوقی که یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ ایران از منظر تاریخ اجتماعی است، اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا اصولاً مناسبات روستایی ایران در این دوره تغییرات سرنوشت‌ساز را تجربه می‌کند (Yousefi Far & Hassanzadeh, 2008). در قرون میانی اسلامی، بیرجند از نظر وسعت و جمعیت یک مرکز نسبتاً کوچک بازرگانی - صنعتی در قهستان به شمار می‌رفت و بر سر راه‌های تجاری که شهرهای هرات، نیشابور، کرمان و سیستان را به هم مرتبط می‌کرد، قرار داشت.

اهمیت موقعیت جغرافیایی از لحاظ مسیرهای ارتباطی به حدی است که قهستان از دوره قبل از اسلام به‌ویژه دوران اسلامی کانون توجه حکومت‌ها قرار گرفته و در بیشتر متون اولیه اسلامی به شورش‌هایی در منطقه اشاره شده است. با توجه به اینکه این شورش‌ها نیاز به استحکامات دفاعی داشته، امر به ساخت یا مرمت بناهایی کرده‌اند که شاید پیشینه قبل از اسلام داشته‌اند، که این امر در دوره سلجوقی و گسترش نهضت اسماعیلی در منطقه قهستان به‌طور مشخص دیده می‌شود و در مدت‌زمان اندک تمامی این منطقه به تصرف اسماعیلیان درمی‌آید. منطقه بیرجند به‌سبب موقعیت جغرافیایی و قرارگیری در مسیر تلاقی شاهراه کرمان و سیستان به خراسان یا طبرستان، خوسف به سیستان و شهرهای افغانستان نقش مهمی



شکل ۱۱. عبور آفونس گابریل از مسیرهای صحرایی ایران در سال ۱۹۲۸ م (مسیر با نقطه چین)، مسیر ۱۹۳۳ م (مسیر با خط ممتد) (Gabriel, 1992)

مشهد از مسیر قهستان عبور کرده و از همان راهایی عبور کرده‌اند که در دوره‌های بعد اهمیت بیشتری می‌یابد و همان‌طور که گفته شد گروهی از آنها در بیرجند دفن شدند و شاید یکی از عوامل رشد و پیشرفت بیرجند، جنبه مذهبی و دفن امامزادگان دره شیخان بوده است. نکته قابل ذکر این است که چون شهر بیرجند و سایر شهرهای قهستان محصور در کویر هستند، راه‌های که از این کویر عبور می‌کرده، کمتر در طول زمان با توجه به پنهان شدن آن بر اثر حرکت ماسه‌های روان تغییر می‌یافته است؛ در نتیجه شکل‌گیری شهر بیرجند را می‌توان دو عامل اقلیمی و مسیرهای ارتباطی دانست؛ زیرا منطقه قهستان از لحاظ آب و هوایی جزء اقلیم گرم و خشک محسوب می‌شود. شهر بیرجند با توجه به این شرایط در منطقه‌ای شکل گرفته که از طرف شمال و جنوب دارای کوه‌های بلندی و درواغ وسط این دو رشته کوه زمینی هموار است که شرایط زیستی مطلوبی را از لحاظ تأمین آب و خاک مناسب برای کشاورزی فراهم آورده است.

هر چند در مورد زمان شکل‌گیری شهر بیرجند اختلاف نظرهایی وجود دارد و تا زمانی که در محدوده بافت قدیم کاوش‌هایی انجام نشود، نمی‌توان به قطعیت درباره تاریخ شکل‌گیری شهر صحبت کرد، براساس بعضی شواهد شکل‌گیری این شهر را می‌توان در دوره تاریخی و اوایل اسلام

شهادت امام رضا (ع) نیز تأثیر زیادی روی موجودیت راه‌های گذشته دشت لوت گذاشت و بیشتر راه‌های کویر به پایتخت خراسان منتهی می‌شد (Gabriel, 1992). بعد از به شهادت رساندن این امام (ع) بیشتر امامزادگان و خویشان از طریق قهستان رهسپار مشهد می‌شدند. در سال ۲۰۲ ه.ق حضرت امام محمدتقی (ع) از راه قهستان به خراسان عزیمت کردند؛ گویا در همین سفر خواهر مکرمه امام رضا (ع)، زینب (س)، در روستای کاهین دار فانی را وداع گفت و امام جواد (ع) پس از دفن ایشان عازم خراسان می‌شود (Kazemi, 1996). در سال ۴۰۰ ه.ق هم گروهی از امامزادگان (از اولاد امام محمدباقر (ع)) به این منطقه پا نهادند و گروهی از اینان، علاوه بر اینکه در روستاهای رشته کوه باگران دفن هستند، در محلی به نام دره شیخان بیرجند توسط سپاه عباسی به شهادت رسیدند (Ayati, 1992)؛ به طوری که میرزا خانلرخان می‌گوید حدود ۷۰ نفر از آنها در اینجا شهید و مدفون شدند، بقیه به اطراف قائنات متفرق شدند (Mirza Khanlar Khan, 1972).

ضمناً کشف سنگ نگاره‌هایی درون رشته کوه باگران نشان می‌دهد گذرگاه اصلی خراسان و قهستان به سوی کرمان و جنوب ایران از درون دره‌های جنوب شرقی بیرجند و روستاهای نوفرست، کوچ، کاهین و چنشت بر کناره این دره قرار گرفته بودند (Rezaei, 2002)؛ به طوری که بیشتر راه‌ها برای رسیدن به

موقعیت فعلی این محله و فضایی که قلعه روی این تپه قرار گرفته، مشرف به محیط اطراف و محلات بافت قدیم بیرجند است. در این صورت می‌توان برای شهر، سه بخش مجزا مانند بیشتر شهرهای ساسانی از جمله ارگ، شارستان و ربض در نظر گرفت که زمین‌های کشاورزی در جنوب بوده است. شاید بتوان گفت قلعه صفوی روی بقایای معماری قدیمی‌تر شکل گرفته، ولی با توجه به محدودبودن زمان کاوش که در برج جنوب شرقی قلعه توسط میراث فرهنگی انجام شده، آنچه مشهود بوده بقایای معماری دوره صفوی است. بعد از شکل‌گیری شهر، محله میان‌ده و سرده از غرب به شرق در راستای قنات قصبه گسترش پیدا می‌کند. البته دور از ذهن هم نیست که در ابتدا محله میان‌ده (چهار درخت) با توجه به بناهایی که در این قسمت بافت قرار دارد، به‌ویژه مسجد جامع می‌تواند به‌عنوان مرکز اصلی شکل‌گیری شهر در نظر گرفته شود و به تدریج به سمت غرب ادامه یافته به نواحی اطراف قلعه پایین شهر و محلات پیرامون آن ختم می‌شده است (شکل ۱۳).

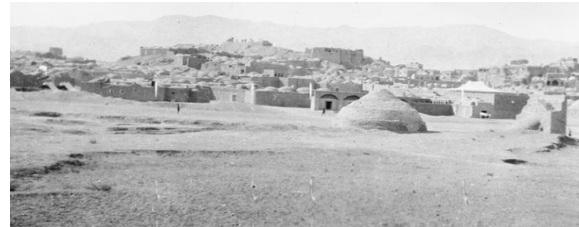
پس از آن با گذشت زمان گسترش شهر به سمت شرق و تا محدوده قلعه ارگ بهارستان ادامه یافته است. این دو قلعه که در اصطلاح اهالی منطقه به قلعه سرده و قلعه ته ده معروف است، در مقطعی از زمان، شاید نزدیک به ۲۰۰ سال پیش، به‌وسیله دیواری که یک سر آن به قلعه پایین ختم می‌شده، محصور بوده است. این دیوار مسیری را دور تا دور نواحی قدیمی پیموده و دو مرتبه به ضلع جنوب غربی قلعه وصل می‌شده، حتی تا چند سال پیش آثاری از این دیوار در پشت مسجد حسینی (ته ده) واقع در خیابان انقلاب وجود داشته است. حصار شهر قدیم، این دیوار در نزد برخی اهالی به دیوار شهربند نیز معروف است. در بیشتر منازل اطراف قلعه نقب‌هایی حفر نموده‌اند که تمامی این نقب‌ها به قلعه ختم می‌شده و اهالی در هنگام هجوم دشمنان و به‌خصوص ترکمانان از طریق این نقب‌ها به قلعه پناه می‌بردند و تا زمانی که کاوش‌های باستان‌شناسی در بافت قدیم بیرجند صورت نگیرد، به‌طور قطع نمی‌توان در رابطه با تاریخ شکل‌گیری شهر با یقین صحبت کرد و احتمالات

دانست. بسیاری از آرا و عقاید کهن قبل از اسلام نیز مانند جشن مهرگان در مؤمن‌آباد و سده و بی‌بی سه‌شنبه در بیرجند و جشن آبریزان در روستاهای اسماعیلی‌نشین عمق نفوذ و دست‌نخوردگی این سنت‌ها و نشان از حضور زرتشتیان در این منطقه است. از دیگر آثار و شواهد دوران تاریخی موجود در اطراف بیرجند می‌توان به روستایی به نام بیدخت اشاره کرد که در ۵/۵ کیلومتری جنوب شرقی بافت قدیم بیرجند واقع شده است. بیدخت یا بغدخت اردویسور آناهیتا، ایزد آب است که مرکب است از بَع به معنای خدا، پروردگار، ایزد و دخت به معنی دختر و بر روی هم به معنای دختر خداست. نام بغدخت بعدها در زبان پارسی با تحول «غ» به «ی» به‌صورت بیدخت با یای مجهول درآمده است (Sorouh & Zafaranloo, 2012). بنای اولیه شهر هنوز به‌طور یقین مشخص نبوده و با وجود تلاش‌هایی که برای کاوش‌های باستان‌شناسی به‌ویژه در محله ته‌ده (محله گبرآباد) صورت گرفته، هیچ موقع این کار عملی نشده و می‌توان از این نقطه به‌عنوان نقطه شکل‌گیری شهر با توجه به توپوگرافی و وضعیت دفاعی آن یاد کرد.

در شیب شمالی و شمال غربی قلعه بیرجند، گورستانی وجود داشت که به آن قبرستان گبران می‌گفتند. از این گورستان اثری نیست و غلامرضا کاشانی شهردار بیرجند (بین سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ ه.ش) آنجا و تمام شیب‌های تپه قلعه را درخت‌کاری کرده است (Rezaei, 2002). می‌توان گفت بیرجند در ابتدای شکل‌گیری دارای فضاهای مسکونی اندکی در شرق و جنوب قلعه فعلی بیرجند بوده است (شکل ۱۲) و هم‌زمان با آن نیز یک فضای دفاعی روی تپه‌ای در امتداد غرب آن و در حاشیه رودخانه شکل گرفته است. اگر به مسیر رودخانه توجه شود، نشان می‌دهد این رودخانه از شرق به شمال و غرب قلعه کشیده و به‌عنوان یک مانع طبیعی برای تهاجمات می‌توانسته نقش مهمی را ایفا کند. هرچند شرایط اقلیمی در طول زمان کم‌تر تغییر می‌کند، چه بسا در زمان ساخت شهر بیرجند، این رودخانه آب داشته و به‌عنوان یک عنصر دفاعی، نقش مهمی را در ساخت و شکل‌گیری شهر داشته است.



گفته شده هم براساس متون تاریخی و شواهد موجود باستان‌شناسی در بافت قدیم بیرجند است.



شکل ۱۲: دید کلی از محله باقلعه

منبع (Archive of Birjand historical texture base)



شکل ۱۳: مراحل شکل‌گیری و توسعه بافت تاریخی بیرجند  
منبع (Archive of Birjand historical texture base)

اما چه شده که در بافت تاریخی بیرجند آثاری از دوره قبل از صفویه نداشته‌ایم و تنها شواهد اندک آن مبین این امر است. می‌توان گفت که زلزله و سیلاب سبب تخریب آثار دوره‌های قبل شده و قرارگیری بافت قدیم شهر روی گسل نشان از این امر است.

در کتاب روضه الصفویه آمده که در سال ۹۵۷ ه. ق در پنج موضع از قهستان از جمله بیرجند، زلزله‌ای به وقوع انجامید که تخمیناً ۳۰ هزار نفر در نفوس قصبه مذکور از ذکور و اناث در شب زلزله از خرابه دنیا به معموره عقبی شتافتند (Junabadi, 1999). در بحث سیلاب هم نظر به اینکه وجه تسمیه یکی از

محلات، محله ته‌اُبردی نام داشته، نشان می‌دهد سیلاب نیز در تخریب این بناها نقش داشته است. دکتر گنجی در خاطرات خود از بیرجند این‌طور یاد می‌کند که «در جمادی الثانی ۱۳۴۳ ه. ق به مدت یک هفته و بدون وقفه در بیرجند باران بارید و موجب وقوع سیلی شد و به دلیل حجم زیاد آب رابطه محلات دو طرف رودخانه قطع شد؛ به طوری که در محله خیرآباد نیز آب نفوذ کرد و بناهای زیادی را خراب کرد. سیل به چاه‌های قنات قصبه بیرجند راه پیدا می‌کند و تمام حسینیه و قلعه را که در مظهر قنات بوده پر کرده است، ولی خرابی عمده در محل‌های دیگر و مخصوصاً در اطراف گودی که به ته اُبردی یا قسمت پایین آب بُرده معروف بود، بار آورده و در آنجا ده‌ها خانه را تخریب کرده بود» (Sahab, 2010). فاصله مدرسه شوکتیه تا رودخانه حدود ۵۵۰ متر است و نشان می‌دهد حجم آب آن‌قدر زیاد بوده که سیلاب تا مدرسه شوکتیه نیز در تخریب شهر تأثیر داشته است. با توجه به قرائن تاریخی و شواهد باستان‌شناسی، رشد شهر که از قرون میانی اسلامی شروع شده بود، در دوره تیموری تا صفوی و زندیه به‌عنوان یک شهر کوچک به حیات خود ادامه می‌دهد و در دوره قاجار نقش پر رنگ‌تری ایفا می‌کند. اینکه بیرجند در دوره قاجاریه بر اثر حمایت‌ها و توجهات خاندان علم مورد توجه قرار گرفته و رشد کرده، شکی نیست، اما منابعی که در دوره قاجاریه به بیرجند پرداخته‌اند، مانند بیت (Yate, 1986)، گابریل (Gabriel, 1992) و شیروانی (Shirvani, Dateless) به‌طور ضمنی از استعداد کم بیرجند به‌عنوان یک شهر سخن گفته و این‌گونه استنتاج کرده‌اند؛ برای مثال عارف شیروانی بیرجند را در دوره قاجاریه شهر مانند توصیف نموده و تقریباً اکثر سفرنامه نویسان این دوره جمعیت بیرجند را ۱۵۰۰۰ هزار نفر ذکر کرده‌اند. در توصیف جایگاه شهر بیرجند باید حالت کلی منطقه را در نظر داشت. منطقه شرق ایران از لحاظ محیطی، دارای محدودیت‌هایی است که موجب عدم شکل‌گیری و رشد شهرهای بزرگ در طول تاریخ در این منطقه شده است.

محدودیت‌های جغرافیایی مانند کمبود آب، حالت زمین و خشکی هوا از جمله عواملی است که سبب چنین حالتی

در منطقه بر اهمیت این مسیرها افزوده شده؛ به طوری که در دوره اسماعیلی به‌عنوان یکی از راه‌های کلیدی سیستان به خراسان مورد توجه بوده و بیرجند نیز در مسیر این شاهراه قرار داشته است. هر چند زمان شکل‌گیری شهر بیرجند با توجه به شواهد، به دوره تاریخی برمی‌گردد و وجود آثار باستانی در منطقه به‌ویژه دوره اشکانی- ساسانی و همین‌طور وجه تسمیه بیرجند که دارای ریشه اوستایی است، خود نشان از قدمت شهر دارد؛ با وجود این نیاز به کاوش باستان‌شناسی در محدوده بافت قدیم وجود دارد تا بتوان با قطعیت درمورد آن صحبت کرد. در قرون اولیه اسلامی به بیرجند اشاره‌ای نشده و این به دلیل کوچک بودن نقش آن در منطقه بوده که همین امر موجب شده بیشتر به شهرهای بزرگ منطقه توجه کنند و سایر مناطق کمتر مورد اشاره باشد، اما با وجود این، قلاع اسماعیلی روی رشته کوه باغران و اینکه متون اسلامی از قرون میانی (قرن ششم/ یاقوت حموی در معجم البلدان) به بعد از بیرجند یاد می‌کنند، نشان می‌دهد از دوره‌های قبل شهر بیرجند وجود داشته و شورش‌های مکرری که در اوایل اسلام در این منطقه شده، نیاز به یکسری استحکامات دفاعی داشته تا بتوانند در برابر حکومت مرکزی مقابله کنند؛ به طوری که در دوره سلجوقی در عرض مدت کوتاهی اسماعیلیان قلاع قهستان و قلعه دره بیرجند را به تصرف خود درمی‌آورند که ساختن این همه قلعه نشان می‌دهد در یک دوره کوتاه غیرممکن و طبق منابع حدود ۷۰ قلعه در منطقه ذکر شده است. نظر به اینکه اسماعیلیان قلعه‌های خود را در مراکز پرجمعیت و شیعه‌نشین می‌ساختند، این نظریه که قبل از آن بیرجند یک مرکز پرجمعیت در منطقه بوده صدق می‌کند که قلعه را در این مکان ساخته‌اند و از آنجا که احتمال می‌رود برخی قلاع اسماعیلی دارای شالوده ساسانی باشند و در رشته کوه باغران نیز آثار دوره تاریخی دیده می‌شود، شاید این قلعه در قبل اسلام یا اوایل اسلام با توجه به جنگ‌ها و شورش‌ها این منطقه به وجود آمده باشد که در دوره اسماعیلی مورد مرمت و استفاده مجدد قرار می‌گیرد.

می‌شود و نباید انتظار شکل‌گیری شهرهای بزرگ را با جمعیت‌های زیاد داشت؛ بنابراین بیرجند در قیاس با شهرهای دیگر این ناحیه باید مورد نقد سنجش قرار می‌گیرد و در دلایل شکل‌گیری یک شهر باید عوامل اولیه چون آب کافی، زمین حاصلخیز در دسترس باشد و بعد از آنها، عوامل دیگر اضافه شود که بیرجند در مقایسه با سایر نواحی از شرایط مطلوب‌تری برخوردار بوده است و تا زمانی که این عوامل به آسانی در دسترس قرار نگیرد، شکوفایی یک مکان غیرممکن خواهد بود، اما در دنیای مدرن عوامل ثانویه هم می‌توانند سبب شکل‌گیری یک شهر باشند و عوامل اولیه را به آن نقطه جذب کنند؛ بنابراین سایر شهرهای کلیدی (قاین، فردوس و طبس) در منطقه قهستان به‌ویژه در اوایل اسلام و بعد از آن، با توجه به محدودیت‌های محیطی منطقه دارای جمعیت زیادی نبوده و دلایل جغرافیایی مناسب نسبت به سایر مناطق موجب شکل‌گیری و در وهله بعد عامل ارتباطی در روند رو به جلوی آن تأثیر گذاشته است. با توجه به مواردی که گفته شد، بیرجند دوره قاجار از لحاظ مرکزیت منطقه قاینات و ژئوپولیتیکی رشد چشمگیری دارد و بافت قدیم بیرجند که تا دوره تیموری و شاید ایلخانی دارای سه محله است، در این دوره با روند رو به رشدی از لحاظ وسعت قرار می‌گیرد و محلات رنگرزا و خیرآباد در شمال و شمال غرب شکل می‌گیرد. علاوه بر پیشرفت بافت بیرجند در حومه شهر نیز باغات زیادی ساخته می‌شود که از جمله می‌توان به ارگ کلاه‌فرنگی، باغ رحیم‌آباد، باغ منظره، باغ امیرآباد، باغ معصومیه، ارگ حاجی‌آباد و بند دره اشاره کرد.

#### ۴- نتیجه‌گیری

کوهستانی بودن منطقه قهستان و همچنین قرارگیری آن در حاشیه کویر موجب شده است شرایط محیطی در همه جای منطقه برای شکل‌گیری آبادی‌ها میسر نشود. شهر بیرجند از نظر جغرافیایی در محیطی شکل گرفته که آب و خاک حاصلخیز و همین‌طور هوای مطلوب در فصل گرما و سرما با توجه به رشته‌کوه‌های شمال و جنوب آن فراهم باشد. نقش ارتباطی بیرجند در ابتدای شکل‌گیری کم‌رنگ‌تر بوده و با ورود اسلام به ایران و فتح نواحی و شورش‌های مختلف

کند. سفرنامه‌نویسانی که به این منطقه می‌آیند از نقش بیرجند و همین‌طور تجاری بودن آن در منطقه یاد می‌کنند و در این دوره ما شاهد شکل‌گیری محلات جدید و همین‌طور بازار در شهر هستیم.

### سیاسگزاری

بر خود لازم می‌دانیم از مجموعه کارکنان و مدیریت محترم پایگاه بافت تاریخی شهر بیرجند سیاسگزاری و قدردانی کنیم.

### منابع مالی

وجود ندارد.

### تعارض منافع

بین نویسندگان تعارضی در منافع وجود ندارد.

علاوه بر نقش دفاعی منطقه در گسترش شهر بیرجند، نقش مذهبی یعنی حرکت امامزادگان از مسیرهای منتهی به قهستان و حتی بیرجند به مشهد را نمی‌توان در رشد شهر نادیده گرفت؛ به‌طوری‌که قبور این بزرگان در شهر بیرجند و حتی روستاهای رشته کوه باگران، این نظریه را قوت می‌بخشد. در دوره تیموری نیز بیرجند از حالت قصبه بیرون آمده و به‌عنوان یک شهر مدنظر است که شواهد موجود از جمله مسجد جامع در بافت شهر، خود مبین این امر است. موقعیت ژئوپولتیکی شهر بیرجند و انتقال مرکزیت از قاین به بیرجند در طی دوره صفوی تا قاجار همواره نقش بسزایی در شکل‌گیری تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این شهر داشته است. بیرجند که در دوره صفویه و زندیه یک شهر نسبتاً کوچک بوده در دوره قاجار و پهلوی پیشرفت فراوانی می‌کند و حتی در اواسط دوره قاجاریه اهمیت شهر بیرجند موجب می‌شود که کشورهای انگلیس و روسیه تا اوایل دوره پهلوی در بیرجند کنسولگری تأسیس

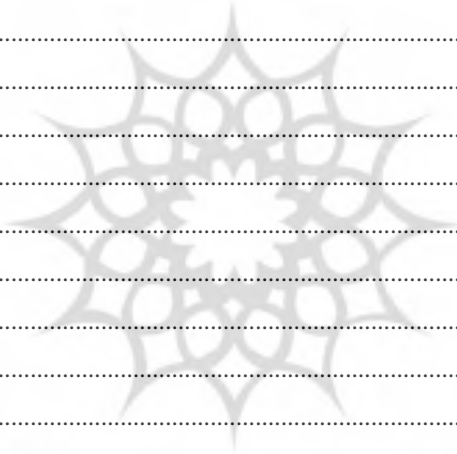
## References

- Abulfeda, E. (1970). *Taqvim Alboldan* (A. M. Ayati, Trans.). Iran Culture Foundation Publications.
- Afshar, I. (2001). *Office of History Collection of Historical Documents and Sources* (1 ed., Vol. 2). Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Endowment Foundation.
- Afshar Sistani, I. (1999). *Understanding Khorasan Province: A Collection of History. Geography. Antiquities. Tourist Attractions* (1 ed.). Tehran: Helmand Publications.
- Ahmadi Birjandi, A. (1998). *"Birjand. Our city," Diar Aftab (Khorasan Studies)* (M. Azizi, Ed. 1 ed.). Roozgar Publications.
- Ahmadian, M. A. (1995). *Geography of Birjand city* (1 ed.). Astan Quds Razavi Publications.
- Alizadeh Birjandi, Z., & Nadi, Z. (2012). Establishment of the Royal Bank of Birjand Branch and its effects in the region. *Quarterly Journal of Khorasan Socio-Cultural Studies*, (24), 57-31.
- Anonymous. (1973). *History of Sistan* (C. b. t. M. o. S. bahar, Ed. 2 ed.). Tehran: Khavar Publications.
- Ayati, M. H. (1992). *Baharestan in the history and translation of the men of Qayenat and Quhistan* (2 ed.). Mashhad: Ferdowsi University Press.
- Baibordi, C. (1991). *Nizarid life and works* (M. Rafiei, Ed. 1 ed.). Tehran: Scientific Publications.
- Baladhuri, A. (1958). *Fotoh Alboldan* (M. Tavakoi, Trans.; 1 ed.). Silver Publishing.
- Barzegaran, H. A. (1997). The role of Birjand city from the past until now. *Geography Education Growth*, (44), 33-36.
- Bastani Parizi, M. I. (2008). *From Garlic to Onion (Birjand Travelogue)*. (4 ed.). Tehran: Elm Publishing.
- Behnia, M. R. (2002). *Birjand Negin Kavir* (2 ed.). Tehran: University of Tehran Press.

- Curzon, G. N. (1983). *Iran and the case of Iran* (G. A. W. Mazandarani, Trans.; Vol. 1). Tehran: Scientific and cultural publications.
- Dana, M. (2018). *Report of the Third chapter of archaeological excavations in Takhcharabad Tepe*.
- Dana, M. (2019). *Report of the fourth chapter of archaeological excavations in Takhcharabad Tepe*.
- Ehsani, M. T. (1989). *Seven thousand years of metalworking art in Iran* (1 ed.).
- Eqbal, A. (2009). *History of the Mongols from the invasion of Genghis to the formation of the Timurid state* (9 ed.). Tehran: Amir Kabir Publications.
- Farjami, M. (2011). *Birjand city from the perspective of late travel writers. The first national conference on Islamic art. Faculty of Art*.
- Fayzkhah, M. (2001). *Baharestan Citadel Registration Report. Birjand: Archive of the Cultural Heritage Organization. Handicrafts and Tourism of South Khorasan*.
- Forqani, M. F. (2006). *History of the Ismaili's of Quhistan* (2 ed.). Tehran: Publications of the Association of Cultural Works and Honors.
- Gabriel, A. (1969). *Geographical research about Iran* (F. A. K. Nouri, Ed. 1 ed.). Tehran: Ibn Sina Publications.
- Gabriel, A. (1992). *Crossing the Iranian desert* (F. N. Samiei, Trans.; 1 ed.). Mashhad: Astan Quds Razavi Publications.
- Ganji, M. H. (2003). *Birjand in 1911 solar". Research on the history of modern culture and education in Birjand* (M. R. Rashed, Ed. 1 ed.). Razqi Publications.
- Hamawi, Y. (1995). *Dictionary of Countries* (2 ed., Vol. 1). Beirut: Publications: Dar Sader.
- Heidari, A. (2012). *Preliminary report on the study and identification of cultural monuments and places in the central part of Birjand*.
- Hill, F. (1989). *Letters from Quhistan* (M. H. Ganji, Trans.; 1 ed.). Mashhad: Astan Quds Razavi Publications.
- Ibn Khaldun, A. (2004). *Ibn Khaldun history Al Ebar* (A. M. Ayati, Trans.; 3 ed., Vol. 3). Tehran: Samt Publications.
- Junabadi, M. B. (1999). *Rozata Alsafavieh* (G. T. Majd, Ed. 1 ed.). Tehran: University of Tehran Press.
- Juvayni, A. (2008). *History of Jahangosha Jovini* (M. Qazvini, Ed.). Tehran: Hermes Publications.
- Juzjani, A. (1964). *Nasiri classes* (A. H. Habibi, Ed. 2 ed., Vol. 2).
- Kazemi, M. A. (1996). *Birjand Landscape* (1 ed.). Jahan Ara Publishing.
- Khafi, S. A. (1991). *Historical geography of Khorasan in the history of Hafez Ebro (part of Khorasan Herat quarter)* (G. Varahram, Ed.). Tehran: Information Publications.
- Labaf Khaniki, R. (1994). *Reflection on the name of Birjand* (Vol. 15). Publisher Mohammad Jafar Yahaghi.
- Labaf Khaniki, R. A., & Bashshash, R. (1994). *A series of research articles on Lakh Mazar Birjand lithography* (1 ed.). Tehran: Cultural Heritage Organization Publications.
- Masoudi, Z. (2010). An Introduction to the Knowledge of Birjand Caravanserais. *Quarterly Journal of Khorasan Social Cultural Studies*, (15 and 16), 181-185.
- McGregor, C. M. (1987). *Description of a trip to the province of Khorasan and northwestern Afghanistan* (M. Mehdizadeh, Trans.; Vol. 1). Mashhad: Astan Quds Razavi Publications.
- Mehryar, M. (2003). *Comprehensive Culture of Ancient Names and Settlements of Isfahan* (1 ed.). Isfahan: Publisher of Farhang e Mardom.
- Mekaniki, J. (2004). A look at the historical geography of Birjand with emphasis on the role of geopolitical factors. *Literature and Humanities Birjand University*, (4), 159-174.
- Mirza Khanlar Khan. (1972). *Travelogue of Etesam-ol-Molk Khanlar Khan* (M. Mahmoudi, Ed.). Mashhad: Ferdowsi Publications.
- Mollahzadeh, K., & Mohammadi, M. (2006). *Military forts and fortifications - Encyclopedia of Iranian historical monuments in the Islamic*

- period* (1 ed., Vol. 6). Tehran: Surah Publications.
- Monsef, M. A. (1975). *Amir Shaukat al-Mulk Alam (Amir Qayen)* (1 ed.). Tehran: Amir Kabir Publications.
- Monshizadeh, M. B. (1992). *Secretary's travelogue* (1 ed.). Yazd Publishing Institute.
- Mustawfi, H. (1957). Nozhat Alqloob, The third article of the book. In (1 ed.). Tehran: Tahoori Publications.
- Nasrabadi, A. (2006). *Birjand Castle Registration Report. Birjand: Archive of the General Directorate of Cultural Heritage*. Handicrafts and tourism of South Khorasan province.
- Papeli Yazdi, M. H. (1997). Geopolitics (Part II): The Geopolitical Importance of East and Northeast Iran. *Geographical Research*, (44), 3-23.
- Qarashir, M. (2008). The Necessity of Improving and Renovating the Old Neighborhoods of Birjand (Case Study of the Four Tree Neighborhood and the Four Tree Passage). *Khorasan Social Cultural Studies Quarterly*, (7), 41-67.
- Ravandi, M. (2003). *Social history of Iran* (2 ed., Vol. 4). Tehran: Negah Publications.
- Rezaei, J. (2002). *Birjand letter* (M. Rafiei, Trans.). Tehran: Helmand Publications.
- Ruhbakhshan, A. M. (2012). *Birjand in encyclopedias* (A. M. T. a. M. Rafiei, Trans.). Tehran: Helmand Publications.
- Sahab, Q. (2010). *World Man from Birjand* (1 ed.). Tehran: Gitashenasi Publications.
- Saykes, P. (1957). *Travelogue of General Sykes or ten thousand miles in Iran* (H. S. Nouri, Trans.; 2 ed.). Tehran: Etihad Press.
- Shirvani, Z. (Dateless). *Bostan Aلسyaheh. Or travelogue* (1 ed.). Sanaei Library Publications.
- Soroush, M. R. (2007). *Brief report on the stages of archaeological identification and excavation in the historical cemetery of Bojd*. Tehran: Helmand Publications.
- Soroush, M. R., & Zafaranloo, R. (2012). *An Introduction to Archaeological Studies in Birjand, Essays about Birjand* (A. M. T. a. M. Rafiei, Trans.; 1 ed.). Tehran: Helmand Publications.
- Tabari, M. (1996). *History of Tabari* (A. Payendeh, Trans.; 4 ed., Vol. 5 and 11). Myth Publications.
- Tabrizi, M. (1963). *Borhan Qateh* (M. Moein, Trans.; 2 ed., Vol. 1). Tehran: Ibn Sina Publications.
- Taheri, A. (1969). *Historical geography of Khorasan from the point of view of tourists*. Publications of the Central Council of the Imperial Celebration of Iran.
- Vafaei, M. (2005). *In search of Birjand urban identity* (1 ed.). Tehran: Nazar Publications.
- Yate, C. E. (1986). *Travelogue of Khorasan and Sistan* (G. R. Z. a. M. Rahbari, Trans.; 1 ed.). Tehran: Yazdan Publications.
- Yazdani Shavakand, G. (1999). *Birjand today* (1 ed.). Birjand University Press.
- Yosefi Far, S. (2006). Patterns of physical expansion of the city in the Middle Ages of Iranian history. *Journal of Humanities*, (52), 319-350.
- Yousefi Far, S., & Hassanzadeh, I. (2008). Rural Society of Iran Based on Middle History. *Month and History of Geography*, 32-53.
- Zanguei, H. (2009). *Poets of Quhistan* (2 ed.). Tehran: Roozgar Publishing.

## یادداشت



شعبه پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی